

## باهوش‌ترین انسان کره زمین نویسنده: دکتر ترانه جوانبخت

چند وقت پیش یکی از کسانی که در دانشگاه شهید بهشتی به دانشجویان شیمی درس می‌دهد و قبلاً استاد من نیز بوده در ایمیل به من نوشت: حافظ باهوش‌ترین انسان کره زمین است! و برای آنکه به ادعایش مبنای درست بدهد به کتابی اشاره کرد که در این زمینه چاپ شده!

در پاسخ به او نوشتم: شما یک شیمیست هستید. تعجب آور است که یک شاعر را که غیر از سرودن شعر کاری نکرده از باهوش‌ترین افراد بشر نظیر ابن سینا و فارابی و رازی و نیز ارشمیدس و اینشتین و دیگران باهوش‌تر می‌دانید. کسی که فقط شعر بنویسد از هوش و توانایی ذهنی چندانی برخوردار نیست چون شعر فقط کلمه است اما علم و دانش به راحتی به دست نمی‌آید. خود شما که شیمیست هستید نیک می‌دانید که یادگرفتن شیمی از سرودن شعر دشوارتر است و به نیروی ذهنی و استعداد بیشتری نیازمند است. به نظر من یکی از علت‌های پیشرفت کند ایرانیان نسبت به مردم کشورهای غربی همین مهم قلمداد کردن بیش از حد شعر است. چون مردمی که شعر را به علم ترجیح بدهند در علم پیشرفت چندانی نمی‌کنند. یک سر به سایت‌ها بزنید خواهید دید که بیشتر ایرانیان فقط شعر می‌نویسند اما شما که در زمینه تحقیق و تدریس شیمی در دانشگاه فعالیت می‌کنید حیف است کسی که فقط شعر سروده را باهوش‌ترین انسان روی کره زمین بدانید. بدانید که افرادی مثل ابن سینا و فارابی و رازی و مانند اینها که بحرالعلوم و علامه بوده‌اند هوش و استعدادشان به مراتب بسیار بیشتر از افرادی مثل حافظ و سعدی و فردوسی و سایر شاعران بوده است حافظ در جای خود ارزشمند است اما او یک هزارم هوش و استعداد دانشمندی مثل ابن سینا را نداشته است. حافظ در علوم نوآوری نکرده است. او اصلاً علوم را نمی‌دانسته است. از ریاضیات و فیزیک و نجوم و شیمی و زیست‌شناسی و ... چیزی نمی‌دانسته است. او فلسفه نمی‌دانسته است. فقط شاعر بوده است و قدری عرفان می‌دانسته است. همین و نه بیشتر

البته این به معنای بی‌ارزش شمردن شعر و شاعری نیست اما واقعیت را باید پذیرفت. یادگیری علوم به هوش و استعداد بیشتری نیازمند است تا صرفاً سرودن شعر.

وقتی دیدم که با فرستادن یک ایمیل دیگر به من بر عقیده‌اش اصرار دارد به او نوشتم: سخن شما مبنای علمی ندارد. اگر چنین باشد هر کسی را می‌توان باهوش‌ترین انسان روی زمین دانست. هوش و استعداد یک انسان بر مبنای بازدهی که او در خلق آثار متنوع در زندگی‌اش داشته مشخص می‌شود. ابن‌سینا یا رازی یا ارشمیدس و امثال این افراد که در حوزه‌های گوناگون علمی فلسفی ادبی هنری آثار متنوع خلق کردند به مراتب باهوش‌تر از گوته و شیلر و حافظ و سایر افرادی هستند که شعر نوشته‌اند زیرا یادگیری علوم و فلسفه و ادبیات و هنرهای گوناگون و خلق آثار متنوع در همه این حوزه‌ها به مراتب دشوارتر از شعر نوشتن است.

اما سخن من فقط با این فرد نیست بلکه با کسانی است که برای کشورمان و نیز آینده آن ارزش قایل هستند. واقعیت این است که مردم ما بیش از حد لازم به شعر و شاعری بها داده‌اند و به جای آن که در علوم و فلسفه و ادبیات و هنرهای گوناگون تخصص و تبحر پیدا کنند فقط به شعر و شاعری چسبیده‌اند! وقتی مردم کشوری عمرشان را چنین هدر می‌دهند مشخص است که مردم کشورهای دیگر از آنها بیشتر پیشرفت خواهند کرد. علامه شدن در علوم و هنرهای مختلف کار هر کسی نیست و نیازمند هوش و استعداد و انگیزه و تلاش است اما جا دارد مردم ما درباره آینده ایران و نیز آینده نسل‌های بعد از خودشان بیندیشند.